

دانشمند ایران‌شناس آقای ژیلبر لازار عکس چندنامه تاریخی راجع بر روابط ایران و فرانسه در زمان فتحعلی‌شاه قاجار را، که اصل آنها در «آرشیو ملی» پاریس محفوظ است، برای درج در نشریه دانشکده ادبیات تبریز فرستاده‌اند. با سپاسگزاری فراوان از آقای پروفیسور لازار که رنج تهیه و ارسال اسناد مذکور را بر خود هموار ساخته‌اند جالب‌ترین آنها را بامقدمه آقای لازار در این شماره و شماره آینده بچاپ می‌رسانیم و امیدواریم انتشار این اسناد محققان تاریخ را سودمند باشد. همچنین از دانشمند محترم آقای سلطان‌القرائی که زحمت خواندن این نامه‌ها را قبول کرده و حواشی لازم برای توضیح افزوده‌اند سپاسگزاری می‌کنیم.

چند سند تاریخی راجع بر روابط ایران و فرانسه

در زمان فتحعلی‌شاه قاجار

در اداره ضبط اسناد تاریخی پاریس^۱ نامه‌هایی بزبان فارسی وجود دارد که ظاهراً تاکنون بنظر تاریخ‌نویسان نرسیده است. این سندها در زمانی نوشته شده‌اند که ناپلئون ژنرال گاردان^۲ را پیش فتحعلی‌شاه قاجار فرستاده و ایلچی دولت ایران هم متقابلاً در پاریس اقامت داشته است. این نامه‌ها از صد و پنجاه سال پیش در ته قفسه‌های آرشیو باقیمانده بود تاچندی قبل یکی از کارمندان آن اداره بوجود آنها پی‌برد و معلوم شد که عاری از مزایای تاریخی نیستند.

جالب‌ترین این سندها نامه‌ایست که عباس میرزا پسر فتحعلی‌شاه برای ایلچی ایران در پاریس که عسکرخان نام داشته نوشته است تا دولت فرانسه را از جنگی که بین لشکر روس و لشکر ایران در نواحی شهر ایروان روی داده و در آن ایرانیان ظفر

یافته‌اند مطلع سازد. بیشک این نامه از لحاظ تاریخ روابط ایران و فرانسه در آن زمان اهمیت بسیار دارد. امید است دانشمندان متخصص تاریخ به تحقیقات لازم در این باره بپردازند.

بعضی از نامه‌های دیگر بدست گماشته‌گان عسکرخان نوشته شده و راجع به جزئیات کار کسانی است که مأمور رساندن نامه‌های عسکرخان بوده‌اند. از این نامه‌ها معلوم میشود که تشکیلات روابط پستی بین تبریز و پاریس در آن زمان چه بوده و با چه مشکلاتی روبرو بوده است.

سند ششم نامه‌ایست رسمی که نام نویسنده در آن مذکور نیست ولی احتمال می‌رود نگارنده آن خود عسکرخان باشد و ظاهراً آنرا در اواخر اقامت خود در پاریس نوشته است و در آن از پادشاه ممالک پناه (یعنی ناپلئون) بار می‌خواهد.

آخرین سند نامه‌ایست از پادشاه زنگبار و عمان بژنرال گاردان که در آن زمان مقیم ایران بوده است و در این نامه سلطان از دزدیهای ساکنان جزیره موریس^۱ در اقیانوس هند شکایت میکند. جالب این است که این نامه که بدست یکی از پادشاهان جنوب برای پادشاه فرانسه نوشته شده بزبان فارسی میباشد.

ذیلا این اسناد تاریخی بنظر خوانندگان محترم نشریه دانشکده ادبیات

تبریز میرسد.

ژ. لازار

نامه نایب السلطنه عباس میرزا به عسکر خان

ایلچی ایران در فرنگ

هو*

حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزّت وسعدت پناه ارادت و صداقت آگاه مجدت و نجدت انتباه شہامت و بسالت اکثناہ سفیر فرزانه آگاه عمدہ خوانین کبار عسکر خان^۱ سالار عسا کر افشار بعوارف سلطانی مستظہر و بعواطف خاطر مرحمت مبانی مستبشر بوده بدانند کہ درین سال فرخندہ فال بعد از آنکہ بنا بر اظہار عالیجاه مجدت و نجدت انتباه زبدۃ الامراء المسیحیہ جنرال غاردان خان^۲ بنای کار بر این شد کہ تامعاودت آنعالیجاه یار رسیدن خبری ازدولت علیہ فرانسه طریق متار کہ مسلوک بوده از عسا کر دولت علیہ و سپاہ روس آسیبی و تعرضی بیکدیگر نرسد و عالیجاه جنرال مشارالیه تعہدنامہ مشعر بر ترک مجادلہ روسیہ با عسا کر دولت قاہرہ بکار گزاران ما سپردہ حاجتی ہم از آنها باز یافت نمود کہ از طرف نواب والا جنگ و جدالی رو ندهد و بہمین خصوص یکی از کسان خود را روانہ نزد کودوویچ سردار

* این نامہ مربوط بدورہ اول جنگهای ایران و روس است در عصر فتحعلی شاہ قاجار.

۱- عسکر خان افشار آدموی از رجال نامدار دربار عباس میرزا نایب السلطنہ و فتحعلی شاہ قاجار است، در سال ہزار و دو بیست و بیست و دو ہجری قمری بجای میرزا محمد رضای قزوینی بسفارت فرانسه مأمور شد و پس از چندی مراجعت کرد و در ہزار و دو بیست و بیست و شش در طهران بدربار فتحعلی شاہ رسید و ہدایا بیکہ ناپلئون اول فرستادہ بود تقدیم نمود.

۲- ژنرال گاردان ایلچی دولت فرانسه در سال ہزار و دو بیست و بیست و دو ہجری قمری با گروہی از مہندسین نظامی و معلمین فرانسوی با اتفاق میرزا محمد رضای قزوینی سفیر ایران در دربار ناپلئون اول در تبریز بحضور عباس میرزا نایب السلطنہ رسید و نامہ ناپلئون را رسانید و از آنجا روانہ دربار فتحعلی شاہ شدند و فتحعلی شاہ او را بلقب خانی مخاطب داشت و در سال ہزار و دو بیست و بیست و شش ہجری قمری باز بخاک فرانسه برگشت .

روسیه نمود باین اطمینان تَوَاب والا نیز عساکر پادشاهی را از سلطانیته برکاب ظفرنگار احضار نفرموده خاطر جمعی کامل داشتیم که روسیه حفظ دوستی دولت علیّه فرانسه و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه و اتحاد شوکتین فرانسه و ایران را مرعی داشته خلاف قرارداد نخواهند نمود کود و ویچا^۱ولا بسخن عالیجاه جنرال و نوشته و فرستاده او التفاتی ننموده بناگاه خود در اول سردی هوا با گروهی بی شمار قاصد ایروان گردید و از طرف نخجوان نیز جمعیتی انبوه بولایت مزبور فرستاد ما نیز چون سپاهی مستعدّ از عساکر منصوره در رکاب مستطاب^۲ نداشتیم امر قلعه ایروان را حسب الواقع مضبوط کرده ایلات و رعایای آنجا را در محلهای محکمه جا داده حکم بکوچیدن ایل و رعیت نخجوان فرمودیم و برای اینکه روسیه نخجوان را گوشمالی دهیم که تاجمع آمدن سپاه ظفرپناه مصدر امری نتواند شد با جمعیت حاضر رکاب عزم مجادله روسیه مأمو^۳ره بنخجوان را و جبهه همت بلند ساخته میانه ...^۱ و نخجوان آنها را ملاقات و صدمه و ضربی کَلّی بآنها زده قتل و اسری کامل از آنها فرمودیم چون اطمینان کامل از کار ایروان حاصل فرموده و سپاه منصور نیز هنوز برکاب والا نرسیده بودند و یقین داشتیم که روسیه نخجوان تا مدّتی مدید تدارك شکستگی خود را خواهند^۲ نمود بنای توقف را در این طرف آب ارس گذاشته همت والا نهمت را بجمع آوردن سپاه و تهیه کار جنگ مصرف فرمودیم و چون حقیقت این اخبار بدربار دولت گردون مدار رسیده و عالیجاه جنرال مشارالیه نیز مستحضر گردیده بود عالیجاه صداقت آگاه^۳ موسی^۴ لازارخان^۵ را روانه نزد غراف کود و ویچ سردار روسیه نمود که

۱- درست مفهوم نشد و بظن متأخر بعلم «سپیان» است .

۲- این کلمه در نسخه عکسی «خواهند» مینماید و بجای آن «نخواهند» صحیح بنظر میرسد.

۳- کلمه «مُوسى» که قبل از کلمه لازارخان نوشته شده لغت فرانسوی و کلمه تعظیم است و این کلمه امروز در فارسی بشکل «مسیو» نوشته میشود لیکن آن اوقات بشکلی که در نامه است نوشته اند و در متأثر سلطانی تألیف عبدالرزاق بیگ^۶ دنبلی نیز باین شکل آمده .

شاید مشارالیه بی آنکه میانه دوسپاه کار بجنگ و جدال کلی کشد دست از محاصره قلعه کشیده تارسیدن خبر از دربار دولت علیّه فرانسه بمنار که راضی گردد کود و ویچ باز بسخن عالیجاه موسی لازاز نیز التفات واعتنا ننموده دست از مجادله باز نداشت و چون میدانست که مجرّد آنکه سپاه نصرت پناه در معسکر والا مجتمع گردند او را مجال وامان نداده متفرّق و پریشان خواهیم ساخت وقت را غنیمت دانسته شب نهم شوال دوساعت بصبح مانده با همه سپاه خود از هر طرف بجانب قلعه حمله ور گردید مستحفظین قلعه نیز که بادلپای قوی مشغول حفظ و حراست بودند از یورش ایشان اندیشناک نشده چندان تأمل نمودند که تمامی سپاه روسیه از خندق عبور و پهای دیوار رسیده نردبانها را ببدنه برج و حصار گذاشته بود تفکّحچیان آتشبار قلعه از هر طرف مانند ابرهای برق انگیز شروع بشراهریزی کرده بخواست خدا و باقبال بیزوال اعلیحضرت قدر قدرت خسرو ملک گشا قتلّی چنان از ایشان تقدیم کردند که درون و بیرون خندق و پای برج و دیوار از هر طرف پر از تنهای کشتگان روس شده در هر جانب از کشته پشته بلند عیان گردید و خون ایشان مانند جوی روان گشت و تمامی تفک و سلاح و نشان صاحب نشانهای ایشان بدست محافظین قلعه افتاده تدار کی تازه برای قلعه از اسلحه آنها مقدور و میسر گردید و بغیر معدودی از ایشان که بامشقت و تلاش بسیار جانی بسلامت برده لشکر خود رسیدند بقیه ایشان عرض فنا و دمار شده سه هزار کس مقتول و دوهزار نفر آنها مجروح گردید و چون مقارن آنحال دلاوران جنگجو نیز از اطراف و اکناف فوج فوج بر کاب مستطاب منصور میرسیدند و ثواب والا گروهی انبوه از ایشانرا در مقدمه مو کب ظفر کو کب والا چون آتش و باد از آبارس بآنطرف گذرانیده مأمور بمجادله و محاربه روسیه ایروان و نخجوان فرمودیم و عقاب رایت ظفر نگار را نیز بجناح حرکت آورده متعاقب پیشروان سپاه ظفر پناه قاصد و عازم دفع و رفع روسیه بودیم و خبر عزیمت سپاه و اراده حرکت مو کب فیروزی همراه

نیز بسردار روسیه رسیده یقین داشت که مجرّد آنکه موکب فیروزی کوکب والا باردیگر بعزم خصم افکنی و دشمن شکاری حرکت نماید او و سپاه او را پای ثبات و قرار نخواهد بود لابد و ناچار هنوز عالیجاه رفیع جایگاه امیرالامراء العظام حسین خان سردار و بیگلربیگی ایروان که با سپاه بجانب ایروان مأمور شده بود بخارج قلعه ایروان نرسیده و عالیجاه رفیع جایگاه زبدة الامراء الکرام علی خان قاجار بظاهر شهر نخجوان وارد نگردیده بودند که سردار روسیه چاره کار خود را در معاودت و فرار دیده خود و روسیه ایروان نیم شبی از خارج ایروان بحدود گرجستان فرار و روسیه نخجوان نیز بجانب قراباغ فراری گردیده از یک طرف موکب والا نیز که تحریک لواء عزیمت نموده بود در آن طرف نخجوان روسیه را ملاقات و از طرف دیگر سپاه ظفر پناه منصور که بایروان مأمور گردیده بودند در چهار فرسخی ایروان روسیه آنجا را دریافته چهار منزل آنها را تعاقب نمودیم و در هر منزل جمعی کثیر و جعی غفیر از آنها کشته و مجروح و گرفتار و اسیر گردید و چنان صدمه و شکستی بآنها رسید که همه عراده و بیشتر قورخانه و اسلحه خود را سوخته و ریخته کوه بکوه از بیم جان فرار و پی سهر طریق خذلان گردیدند و بحمد الله و المنة دشمنی که به نیروی خود مغرور بود چنان مقهور و مکسور و ابواب بلا بر روی او مفتوح گردید که بیخ و بن هر سنگ و خاری را محل سلامت خود می ساخت و از تفضلات بالغه الهی ضرب و صدمه و شکستی بآنها رسید که امروز از نخجوان و ایروان تا چند منزل همه جا تنهای کشتگان آنها ریخته و خاک و صحرای باخون آنها آمیخته است بالجمله چون درین اوقات که روسیه بحدود ایروان و نخجوان آمده بودند انواع بی اعتنائی از ایشان نسبت بعالیجاه موسی لازارخان و فرستاده اول که نوشته عالیجاه جنرال را برده بودند ظاهر گردید و از قرار شرحی نیز که کدوویچ^۱ سردار روسیه بتواب والا و کار گزاران سرکار قلمی داشته

۱- غراف کدوویچ بسبب شکست جنگ ایروان در سال هزار و دویست و بیست و چهار منضوب دربار روسیه شده و ترومسوف بجای وی بسرداری مأمور شد.

بود که مال بی‌اعتنائی او نسبت بدولت علیّه دایمه‌القرار فرانسه استنباط میشد نژاب‌والا باحتیاط اینکه مبادا خدا نخواسته ضعف و فتوری از طرفی بعسا کر ظفر مآثر فرانسه رسیده باشد...^۱ علی‌العجل تعیین و شرحی بعالیجاه موسی...^۲ مرقوم داشتیم که اوضاع دولت علیّه فرانسه را خود بزودی قلمی و حکم محکم را نیز بآعالیجاه ابلاغ نماید بآعالیجاه نیز مقرر میشود که در رسیدن حکم والا حقایق اوضاع آنحدود و مرثده استقرار کار اعلیحضرت قدر قدرت قضا‌شعار امپراطور اعظم عم اکرم را علی‌التفصیل قلمی و عرض نماید که خاطر عطوفت ذخایر والا ازین رهگذر قرین استظهار و اطمینان بی‌منتهی گردد و همه وقایع این حدود را نیز که بآن عالیجاه مرقوم داشته‌ایم حالی و خاطر نشان کار فرمایان دولت علیّه فرانسه نموده‌ایشانرا از مراتب بی‌اعتنائیهای روسیه بدولت علیّه فرانسه و بسخن و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه مستحضر سازد و عنایات خاطر والا را درباره خود کامل داند و در عهده شناسد تاریخها فی‌شهر ذی قعدة ۱۲۲۳. *

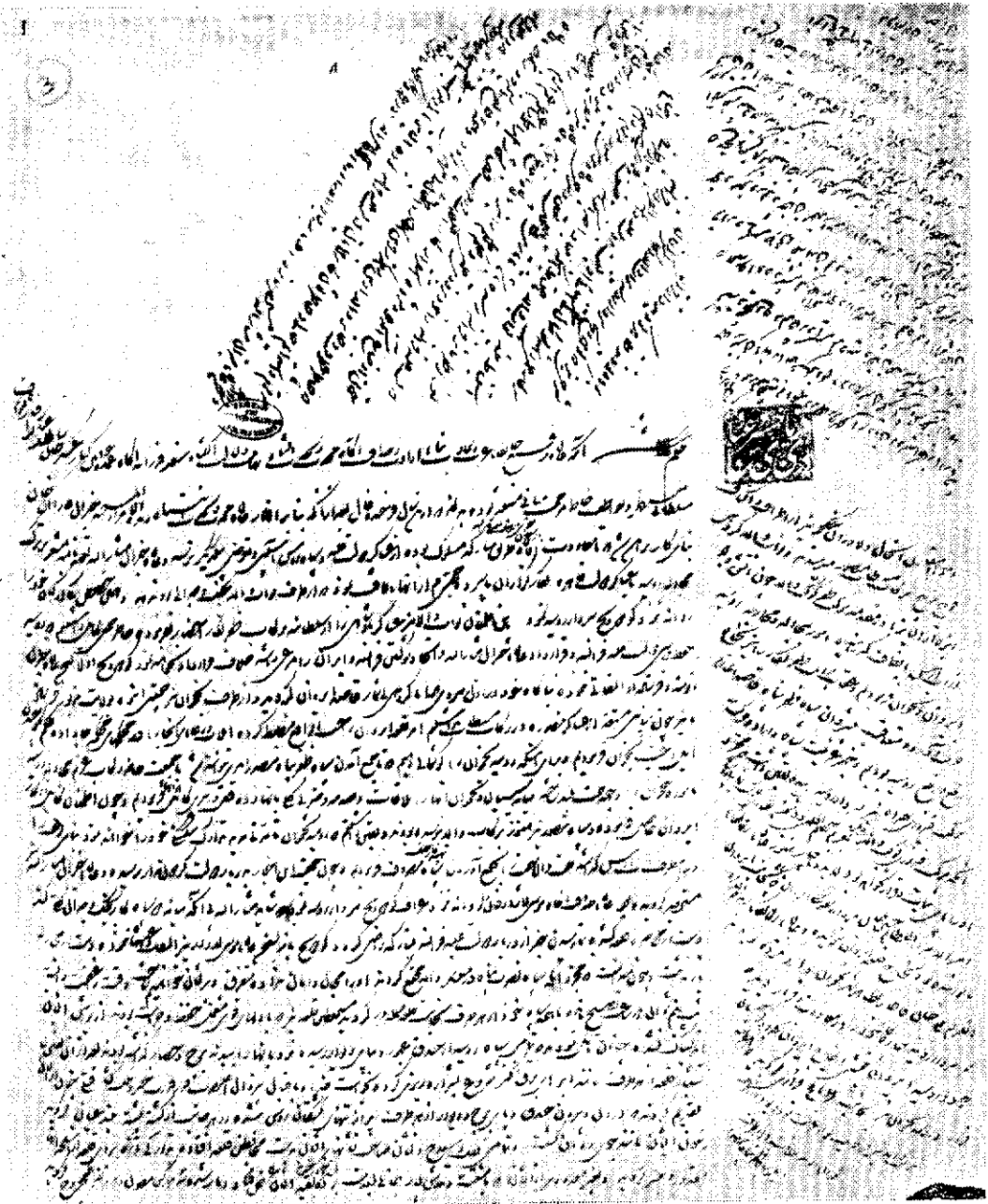
سجع مهریکه بشکل مربع در سمت راست صدرنامه دیده میشود «در دریای خسروی عباس» بخط نستعلیق.

عنوان‌نامه که در ورق دیگر عکس گرفته شده: عالیجاه عمدة الخوانین العظام عسکر خان زیارت نماید.

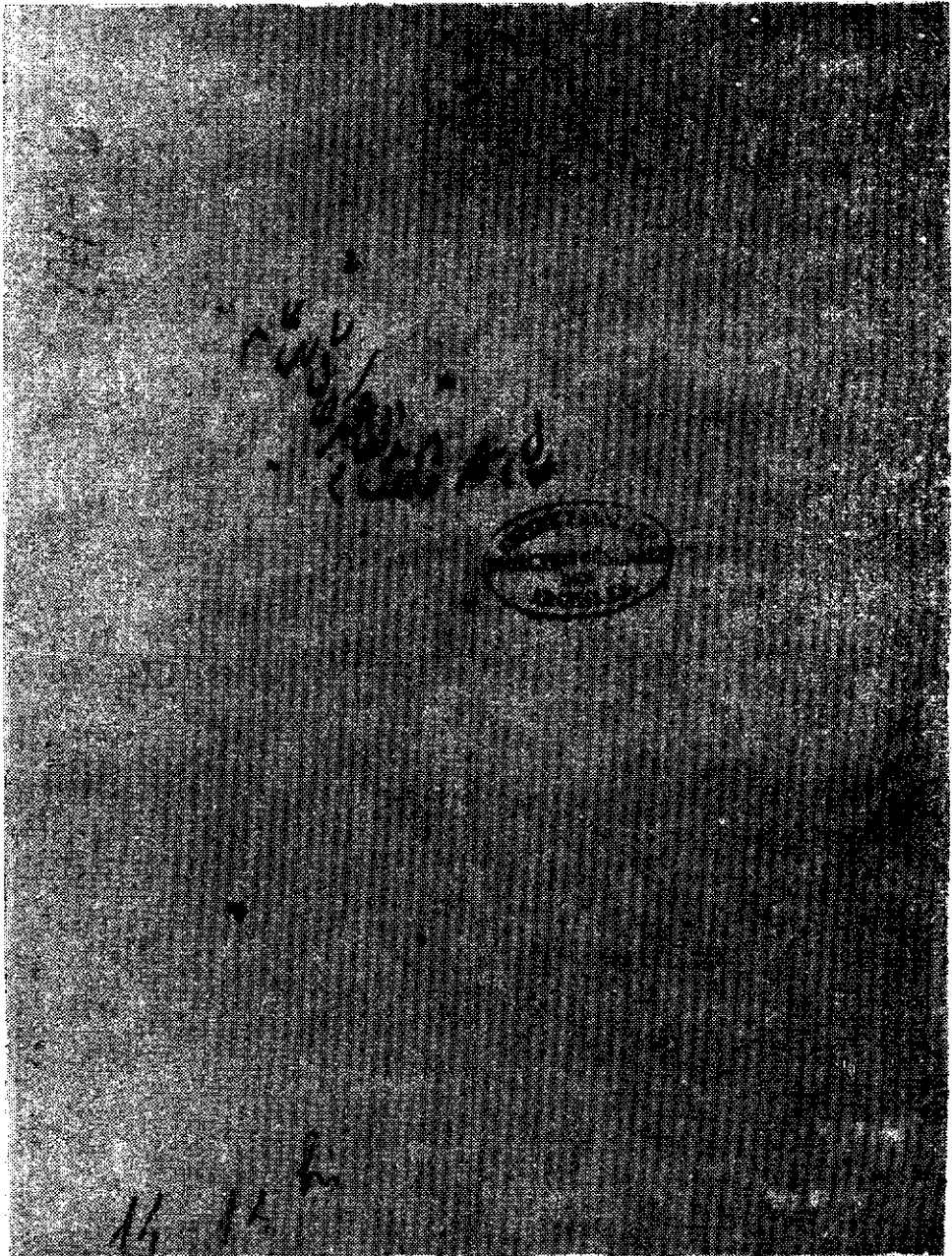
۱- نیک مفهوم نشد. تاتاری؟

۲- نیک مفهوم نشد. «ژوبر» یا تلفظ دیگری از آن، مثلاً «شوبر»؟

* در این موارد بمنظّم ناصری و مآثر سلطانی و غیر اینها از کتب تاریخ عصر قاجار مراجعه شود.



سجع مهریکه بشکل مربع درست راست صدر نامه دیده میشود «در دریاى خسروى عباس» بخط نستعلیق .



عنوان نامه که در عکس بالا دیده میشود : عالیجاه عمدة الخوانین العظام عسکرخان
زیارت نماید .

